

مرجان کار

تولید کننده

بلوک سفتی و تیغه دیواری

www. marjankar.ir

در خدمت توسعه مسکن در شمال کشور

تلفن کارخانه گرگان:۰۱۷-۳۲۱۶۴۵۲۷-۰۱۷

دفتر فروش گرگان:۰۱۷-۳۲۲۲۳۶۴۲-۰۱۷

خبر

۱۳ تا ۱۴ هزار هکتار شالی در گنبد کاووس کشت می شود



مدیر جهادکشاورزی گنبدکاووس درشرق استان گلستان پیش بینی کرد که امسال ۱۳ تا ۱۴ هزار هکتار از اراضی زراعی شهرستان به زیر کشت شالی برود که چند برابر اراضی نسق است.غلامعلی نورا در گفت گفت: به دلیل بارش‌های خوب سال آبی ۹۸- ۹۷ در گنبدکاووس، کشاورزان زیادی در حال کشت شالی پس از برداشت محصول گندم، جو و دانه روغنی کلزا در این شهرستان هستند. وی با بیان اینکه اراضی نسق کشت شالی در گنبدکاووس فقط ۲۶۰۰ هکتار است، افزود: کشت شالی در اراضی نسق و غیر نسق این شهرستان به سرعت در حال انجام است.نورا از کشت دو هزار هکتار پنبه در گنبدکاووس نیز خبر داد و اضافه کرد: برای کشت این محصول استراتژیک در سال جاری ۲۵۰۰ هکتار قرارداد منعقد شده که تا الان دو هزار هکتار آن کشت شده است.به گزارش ایرنا و مطابق اعلام مسئولان آب منطقه ای استان گلستان، میزان بارش ها از اول مهر ۹۷ تا پایان اردیبهشت امسال در گنبدکاووس ۲۵۰۴ میلی متر بوده که این میزان بارش در مقایسه با مدت مشابه سال قبل ۷۹.۳ درصد و در مقایسه با دوره دراز مدت نیز ۷۶.۸درصدافزایش نشان می دهد.

مدیر جهاد کشاورزی گنبدکاووس همچنین با اشاره به برداشت سه محصول گندم، جو و دانه روغنی کلزا در این شهرستان تصریح کرد: از زمان آغاز برداشت این سه محصول تا الان ۹۵ درصد مزارع کلزا، ۹۰ درصد مزارع جو و ۷۲ درصد مزارع گندم برداشت شده است.وی با بیان اینکه عملیات برداشت گندم، جو و کلزا حداکثر ظرف یک هفته آینده در گنبدکاووس به پایان می رسد، ادامه داد: در سال زراعی ۹۸-۹۷ سطح قابل برداشت دانه روغنی کلزا در این شهرستان ۱۴ هزار هکتار با پیش بینی تولید حدود ۲۸ هزار تن، جو ۲۲ هزار و ۶۵۰ هکتار با پیش بینی تولید ۵۰ هزار تن و گندم ۱۰۴ هزار هکتار با تولید افزون بر ۳۰۰ هزار تن می باشد.نورا گفت: تاکنون ۶۲ هزار و ۶۲۴ تن گندم تحویل مراکز دولتی خرید این محصول و بخش زیادی نیز به مراکز خرید بخش خصوصی در گنبدکاووس یا دیگر نقاط استان گلستان تحویل شده است. در همین پیوند رئیس اداره غله و خدمات بازرگانی گنبدکاووس نیز در خصوص وجه پرداختی گندم به کشاورزان گفت: بهای محصول مستقیماً از تهران به حساب کشاورزان واریز می شود و بر اساس اطلاعات به دست آمده از بانک عامل، تا الان فقط یک مرحله که مقدار آن محسود بوده و مبلغ آن اعلام نشده، به حساب کشاورزان واریز شده است.سپروس آبادی افزود: قرار است تا پایان هفته جاری مرحله دوم واریز بهای گندم تحویل کشاورزان به مراکز خرید دولتی، به حساب کشاورزان واریز شود.شهرستان ۳۵۰ هزار نفری گنبدکاووس با ۱۶۰ هزار هکتار اراضی زراعی و باغی که بخش اعظم آن به کشت گندم، جو و دانه روغنی کلزا اختصاص می یابد، از شهرستان‌های برتر گلستان و کشور در تولید این سه محصول، بویژه گندم است.

مرگ کودک دو ساله گنبدی زیر چرخ تراکتور

فرمانده انتظامی گنبدکاووس اعلام کرد که کودک دو ساله ای در یکی از روستاهای این شهرستان بر اثر بسی احتیاطی پدر هنگام جابجا کردن تراکتور، جسان خود را از دست داد.سرهنگ محمود علی روز ریز یکشنبه در گفت و گو با خبرنگار ایرنا گفت: در این حادثه که دیروز (شنبه) رخ داد، کودک خانواده در حیاط منزل مشغول بازی بوده و پدر خانواده هم قصد جابجا کردن تراکتور را داشته که بر اثر لحظه ای غفلت و بی احتیاطی، کودک زیر چرخ این وسیله نقلیه رفته و در دم فوت می کند.وی همچنین از کشف ۱۴ کیلو و ۱۰۰ گرم مواد مخدر تریاک و حبشیش از دو قاچاقچی این مواد افیونی در گنبدکاووس خبر داد و افزود: این مواد در دو عملیات جداگانه و در بازرسی از منازل متهمان که با حکم مرجع قضائی انجام شد، کشف و ضبط گردید.

گلشانه

دوشنبه ۲۰خرداد ۱۳۹۸/ سال بیستم /شماره ۱۸۲۴ / صفحه ۵۰۰ تومان

هیچ گاه دنبال پست نبودم



نگاهی به رمان بند محکومین کیهان خاتجانی



توسعه اتوبوسرانی راه حل کاهش ترافیک گرگان است



انتصاب ۴ فرماندار در گلستان

کشاورزانی که

کیمیاخاکسترمی کنند

آتش سوزی بقایای گیاهی نه تنها موجب سوختن خاک و تهدیدی برای محیط زیست است بلکه به جنگل ها و مراتع هم هرساله خسارات زیادی وارد می کند. به گزارش مهر، مشاهده شعله های سر به فلک کشیده و دود عظیم ناشی از سوزاندن کاه و کلش گندم و جو در اراضی زراعی گلستان تصویر رنج آور این روزهای اراضی زراعی استان است که از بین رفتن خاک و آلودگی هوای مناطق پیرامونی تنها بخشی از آثار زیانبار این رویه غلط و سریالی است. هرچند سرعت گذر از سنت و حرکت به سوی مدرنیته در بخش های از زندگی انسان ها مانند لوازم ارتباطی همچون تلفن همراه و نرم افزارهای مربوطه و دیگر تکنولوژی ها، سرسام آور است اما هنوز در بخش هایی از زندگی بشری مانند زراعت، فاصله گرفتن از سنت های غلط و رویه های اشتباه، حرکتی لاک پشتی و شاید آهسته تر دارد. روزهای اردیبهشت که به نیمه می رسد جاده های گلستان مملو از کیمیا ی های برداشت کننده گندم و جو می شود و تحرک روزی و نشاط کشاورزان در این روزها بسیار دیدنی است؛ اما سکناس دوم برداشت غلات در استان تراژدی غم باری را به نمایش می گذارد. سوزاندن کاه و کلش و منظره ای که مرگ خاک های حاصلخیز و سوختن سرمایه های ملی را در شعله های یک باور نادرست نشان می دهد. صدها هزار هکتار زمین زراعی در گلستان...

«۲»

بدهی ۶۶میلیاردی

ادارات گلستان به توانیر

مدیرعامل شرکت برق گلستان از بدهی ۶۶ میلیاردی ادارات گلستان به شرکت برق استان خبرداد و گفت: ۱۰ درصد برق مصرفی گلستان معادل ۱۳۰ مگاوات مربوط به ادارات است.به گزارش خبرنگار مهر، علی اکبر نصیری بعدازظهر یکشنبه در نشست خبری با اصحاب رسانه گلستان اظهار کرد: سال گذشته به دلیل کمبود تولید در نیروگاه های آبی خاموشی های متعددی در کل کشور و استان داشتیم که باعث شد برنامه ریزی های بخش صنعتی و کشاورزی دچار

اختلال شود.وی افزود: با توجه به خاموشی ها، برنامه ریزی برای مدیریت مصرف را از سال گذشته آغاز کردیم و در همین راستا با دستگاه های مختلف تقاهمنامه هایی امضاء شد.نصیری گفت: امسال برای هر استان برنامه هفتگی پیک مصرف تعیین شده که باید این سقف را رعایت کنیم در غیر اینصورت در لیست خاموشی های توانیر قرار می گیریم.وی با اشاره به تغییر ساعت اداری بیان کرد: این امر از شنبه هفته آینده اتفاق می افتد و شروع به کار ادارات

۶ و نیم تا ۱۳ و نیم خواهد بود.نصیری با تأکید بر رعایت الگوی مصرف ادامه داد: ساعات ۱۳ الی ۱۷ اوج مصرف بار است بنابراین هم استانی ها سعی کنند در این ساعات لوازم سرمایشی پرمصرف را از مدار خارج کنند.وی تصریح کرد: ۵۰ درصد سدهای کشور در سال گذشته خالی بود بنابراین آنها تنها توانستند چهار هزار مگاوات تولید کنند و با لحاظ تولید این مقدار در سال جاری کشور همچنان با کمبود چهار هزار مگاواتی روبرو است.

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای

شرکت شهر کهای صنعتی استان گلستان در نظر دارد

پروژه های ذیل را از طریق فراخوان عمومی به شرکت های واجد شرایط واگذار نماید

ردیف	عنوان پروژه	مبلغ برآورد اولیه (ریال)	مبلغ تضمین شرکت در مناقصه (ریال)	رشته و حداقل پایه	مدت (ماه)	محل نامین اعتبار	تاریخ توزیع اسناد	مهلت تحویل پیشنهات	زمان بازگشایی پاکتھا
۱	مناقصه عمومی یک مرحله ای کنترل طراحی و تکمیل عملیات ساخت، راه اندازی و بهره برداری مدول دوم تصفیه خانه فاضلاب شهر صنعتی آق قلا	۳۳/۲۴۰/۷۷۶/۳۱۳	۱/۶۷۰/۰۰۰/۰۰۰	آب و تاسیسات و تجهیزات، ۵	۱۴	عمرانی (استانی و ملی)	از تاریخ ۹۸/۰۳/۱۸ الی ۹۸/۰۳/۲۲	تا پایان ساعت اداری ۹۸/۰۴/۰۲	از ساعت ۱۳/۴۰۰۰ مورخ ۹۸/۰۴/۰۲
۲	مناقصه عمومی یک مرحله ای کنترل طراحی و تکمیل عملیات ساخت، راه اندازی و بهره برداری مدول دوم تصفیه خانه فاضلاب ناحیه صنعتی آقجلی	۴۶/۵۹۷/۴۰۲/۸۵۴	۲/۳۳۰/۰۰۰/۰۰۰	آب و تاسیسات و تجهیزات، ۵	۲۶	عمرانی و داخلی			

۱- این پروژه ها فاقد پیش پرداخت می باشند . از مبلغ هر پرداخت صورت وضعیت به

پیمانکار معادل ۱۰ درصد بعنوان تضمین حسن انجام کار کسر و در حساب سپرده نزد کارفرما نگهداری می شود.

۲- محل در یافت اسناد مناقصه : سامانه تدارکات الکترونیک دولت (ستاد ایران).

۳- نوع تضمین شرکت در مناقصه : شرکت کنندگان در مناقصه می توانند به صورت فیش واریز نقدی به حساب تمرکز وجوه سپرده شرکت شهر کهای صنعتی استان گلستان نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به شماره ۰۵۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۱۲۲۵۰۷۱۴۵۴۱۸ IR و یا ضمانتنامه بانکی بنفع کارفرما تهیه و همراه اسناد مناقصه به دستگاه مناقصه گزرا تسلیم نمایند. به پیشنهادهای فاقد سپرده، سپرده های مخدوش، سپرده های کمتر از میزان مقرر ، چک شخصی و نظایر آن تر تیب اثر داده نخواهد شد

۴- محل تحویل پیشنهاتات: سامانه تدارکات الکترونیک دولت (ستاد ایران) و دبیر خانه

فروشی

یک قطعه زمین به مساحت

حدوداً ۱۲۵۰۰ متر دارای

سند، واقع در کیلومتر ۲

جاده گرگان. آق قلا چهارراه

امیر آباد ابتدای جاده سر خنکلا نه

به فروش میرسد.

۰۹۱۱۲۷۳۹۷۳۳

خبر

هنرمندان گنبدی

قریب شش میلیارد ریال صنایع دستی صادر کردند



رییس اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری گنبدکاووس درشرق استان گلستان از صادرات پنج میلیارد و ۹۷۰ میلیون ریال صنایع دستی هنرمندان این شهرستان درسال ۹۷ خبر داد.مریم آق آتابای روز یکشنبه در گفت و گو با خبرنگار ایرنا اعلام کرد: فرش دستباف ترکمن و تولیدات چرمی از بیشترین محصولات صادراتی هنرمندان حوزه صنایع دستی گنبدکاووس درسال گذشته به برخی کشورهای آسیای مرکزی و اروپا بوده است.وی گفت: بیشتر صادرات صنایع دستی هنرمندان گنبدی در قالب تجارت چمدانی انجام شده و هم اکنون ۱۵ فروشگاه عرضه صنایع دستی در این شهرستان فعال است. آق آتابای با اشاره به تنوع اقوام ساکن در گنبدکاووس افزود: هم اکنون افزون بر ۴۰ رشته صنایع دستی در این شهرستان فعال است که بیشتر در قالب کارگاه های کوچک خانگی بویژه درمناطق روستایی مشغول فعالیت هستند. وی با بیان اینکه ۳۶۰۰ هنرمند درحوزه صنایع دستی گنبدکاووس فعالیت دارند، اضافه کرد: تولیدات صنایع دستی اقوام ساکن در این شهرستان توسط برخی شرکت های پشتیبانی خریداری و در بازارچه ها، نمایشگاه ها، فروشگاه ها و یا برخی شرکت های تعاونی به فروش می رسد.رییس اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری گنبدکاووس، نبود مکانی ثابت برای عرضه صنایع دستی هنرمندان این شهرستان و پرداخت نکردن تسهیلات بانکی به تولیدکنندگان صادراتی را از جمله چالش های حوزه صنایع دستی ذکر کرد و گفت: حمایت بیشتر از فعالان این حوزه می تواند به افزایش درآمد و نیز ایجاد اشتغال پایدار برای این قشر زحمتکش کمک کند.

«۲»

اجرای طرح «بسیج ملی کنترل فشار خون» در گلستان



رئیس دانشگاه علوم پزشکی گلستان از اجرای طرح «بسیج ملی کنترل فشار خون» خبرداد و گفت: گلستان جزو سه استان برتر از نظر بیماری پیش دیابت، پیش فشارخون و پیش کم تحرکی است.به گزارش خبرنگار مهر، عبدالرضافاضل ظهر یکشنبه در جلسه شورای اداری گلستان اظهار کرد: فشار خون در سال ۲۰۱۷ حدود ۱۰ میلیون قربانی در دنیا گرفت. وی افزود: یک سوم جمعیت بالای ۳۰ سال کشور پرفشاری خون دارند و فقط ۶۰ درصد این افراد از بیماری خود مطلع هستند. فاضل با بیان اینکه ۵۰ درصد بیماران پرفشاری خون دارو مصرف می کنند، گفت: تنها بیماری ۱۹ درصد این افراد کنترل شده است.وی با اشاره به اینکه شیوع فشار خون در کشور ما سه برابر شده گفت: سال گذشته هشت هزار و ۸۰۰ مرگ در گلستان داشتیم که ۵۳ درصد آنها ناشی از بیماری قلبی و عروقی بود.فاضل با تأکید بر اینکه فشارخون تأثیر مستقیمی بر روی بیماران قلبی و عروقی دارد، بیان کرد که شعار ما «حذف نمک از سفره غذایی» است که همه باید نسبت به این کمپین اهتمام داشته باشند.وی از اجرای طرح «بسیج ملی کنترل فشار خون» در گلستان خبر داد و گفت: این طرح در خانه های بهداشت، مراکز جامع سلامت و درمانگاه و ادارات کم تحرکی و بیماری دیابت در استان اشاره کرد و گفت: گلستان جزو سه استان برتر از نظر بیماری پیش دیابت، پیش فشارخون و پیش کم تحرکی است.

www.golshanemehr.ir

یادداشت



درک عمیق گوستاو کوربه از واقعیت و امر واقع با مفهومی بنیادی و یکسره بشری گره خورده است: فقدانِ مسرد روستایی که نه، انسان در وضع طبیعی، فهم پیشینی از معنای «از دست دادن» که محتوی فقدان است، دارد. زمان گذرند: نهر آبی که ناگزیر روان است، خیزن ناباورانه با دست و نیمکروی راست سست شده به سمت آنچه از دست می رود و دست چپ که هم‌زمان درمانده تر) به قول بیژن الهی) چون تاج بر سر فقر انسانی که بسر دردی شاهی می‌کند که از آن جز پاره ای خرد نمی شناسد، چهره ی نهی و چشمان رک زده‌همه ویژگی های آن بدنی است که شهادت می دهد به یک واقعیت جانکاه: فقدان طبیعت.انسان مدرن با عطش سیری ناپذیر چیزی و سطله بر طبیعت، رفتار طبیعی خود در طبیعت را از دست داده و بسا آن بیگانه شده است. به عبارت بهتر او با سرکوب قانون طبیعت-فیزیس، بدن طبیعی خود به عنوان یک عنصر در چرخه این قانون را از دست داده و جایگزینِ این» فاصله» چیزی جز تائر عافطنی صرف و حتی میل دارم بگویم سانبتمثال نبوده است. گوستاو کوربه به عنوان یک هنرمند مدرن با ریشه های تفکر رمانتیک که به تحولات و تغییرات انسان مدرن حساس است، بسه سرعت رعالیسم در حال شکل گیری جدید را درک می کند و پاسخ او به این وضع جدید، عمیقاً اضطراب آور و هشداردهنده است.

مهدی داد

شعر

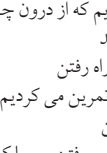
خسروبنایی



من زندانی بودم و در تمام خاطراتم یک زندانی دیگر بود
و در تمام خاطرات فرصتی کمی داشتیم برای روز هایی که تحقق نمی یافت
ما روزهای یکنواخت را سخت گذرانیدیم
شباهت عجیب روز ها و شب ها را آزمونید
و تخیل مان را کاملن پر ملا کردیم
و با صراحت کسانیکه با مرگ هم تراز بودند بی تعارف حرف می زدیم
پشت به پشت حرف می زدیم
صورت و پس سرمان یکی بود
دهانمان تا ستون فقراتمان وسعت داشت
و به راه ها به عصب های پا می رسید
اول فسق روز و گرگ و میش را از دست دادیم
و کم کم صدایمان در چشم ها ته نشین می شد
ما شکنک های خنده دار
سکوتی بودیم که از درون چشم ها علامت تعجب می شد
در سکوت راه رفتن
در باتلاق را تمرین می کردیم
برای فرو رفتن
و صادقاتسه فرو رفتن و ماسک کم درون هم محو شدیم

»»

علینجات غلامی



به دختران
باجسد را بشمارند
به زیباترین شکل، روده‌ها را در شکم‌ها بچینید
چنانکه در روابطِ مسرد غلیت، کلماتِ گرم می‌ریزید.
خون‌ها را بشویید
با آب روی چهانی.
سه نفر از پیش حرکت کنند،
هر یک درختی خسته بر دوش،
تابوت‌های پر از انگشتان کشتگان را بر اراهایی که به ماه زنجیر شده‌اند بگذارید
و از کوچه‌های خشونت عبور دهید.
سپیده نزدیک است، عجله کنید،
خورشید دوباره حمله خواهد کرد.

متاعی از نمی‌دانم
کدام خراب‌شده آورده بودند که می‌زدی، خون‌دماغ می‌شدی، گلو، کبریت خشک، چشم، کاسه‌ی خون؛ آب‌دهن خاک‌راه؛ تمام جان، قلبه، نبض، درون دوتا شقیقه، گرومب گرومب گرومب گرومب...

(خانجانی، کیهان –بند محکومین
کیهان خانجانی را اولین و آخرین بار در اوایل دهه‌ی هشتاد دیدم. بعد از یک شب گپ و گفت، به دوست مشترکی که واسطه‌ی دیدار فرخنده‌ی ما بود گفتم که کیهان ذاتاً قصه‌گو است و روزی چیزی خواهد نوشت که همه‌گان را شگفت‌زده کند. همین ابتدای کار باید بگویم «بند محکومین» هنوز آن چیزی نیست که پیش‌بینی‌اش کرده بودم. خانجانی در بند محکومین تلاش کرده است که به زبانی خاص خودش برسد و به نظر من رسیده است. جز این را باید بحث کرد.»بند محکومین» از یک نگاهٔ مسقِ رمان‌نویسی است با رعایت جزء–بیه جزء قواعدی که در کارگاه‌های داستان‌نویسی می‌گویند. این که چه‌طور می‌شود قصه‌ی چندین شخصیت متفاوت را که هیچ‌کدام هیچ ربطی به هم ندارند (هر کدام سر‌نوشت خود را دارند با یک وجه مشترک: گیر افتادن در بند محکومین) در قالب رمان ریخت؛ این‌که چه‌طور می‌توان خواننده را به نحوی با جغرافیای داستان آشنا کرد که متوجه تکنیک نویسنده نشود. همه چیز در نگاه اول سر جای‌اش است؛ جان می‌دهد که بر اساس آن یک جزوه‌ی آموزشی بنویسی: «چه‌گونه رمان بنویسیم»! معرفی پشت جلد کتاب شاید خواننده‌ی کنجکاو را وسوسه کند که برای خواندن یک کتاب «ساختارگرا، جریان‌گریز و ضد ژانر» سراغ کتاب برود اما چیزی جز یک لفاظی عالمانه نیست. بند محکومین تلاش یک نویسنده‌ی خلاق برای نوشتن اثری است که دهان‌ها را هم‌زمان پیندد و باز کند؛ ببندد چون نشر روان، طنز آشکار و پنهان، استفاده‌ی بسیار (هر چند نه همیشه به‌جا) از تمام عناصر طنز و هزل و خلق یک زبان خاص، نقطه‌ی اوج کار خانجانی است و باز کند دهان‌ها را به تحسین که:

– دیدی چه کرده؟ این آدم انگار سال‌های سال زنان بود!؛ لاکر دار چنان اصطلاحات جماعت معاد را بلد است که آدم شک می‌کند نکند ... از دیگر اظهار شگفتی‌های عوامانه از آن‌دست که وقت دیدن یک فیلم می‌شنویم وقتی بازگتری برای نقش‌پذیری رفته و سی کیلو وزن اضافه یا کم کرده و یا مثلاً مدتی با هیبت قهرمان فیلم زندگی کرده است!؛ نیمه‌ی اول رمان، یک فرهنگ لغت و اصطلاحات ویژه‌ی اهل «اسباب» است و بندگان محکوم به حبس‌های طولانی، جابه‌جا و گاوپیگانه الفاظ، تعابیر و ضرب‌المثل‌ها است که می‌برد وسط متن، تا نشان بدهد نویسنده با موضوع قصه بیگانه نیست. ربط و با ربط کلماتی را در چشم خواننده فرو می‌کند که اگر در چند صفحه‌ی اول لازم به نظر بیایند، در ادامه فقط قدرت‌نمایی نویسنده‌اند در کاربرد این زبان و تلاش برای اثبات این‌که او به دنیای این محکومان چنان

»

حامد مصطفوی –رنگ را به مثابه جنس به کار می برم

ظاهر می شود و بنا به گیرنده محتوا گذراست.
همه نیرو ها شریک اند اما جرای برخی نگاه ها را از زاویه امن» بررسی می کنم تا درفرمی از نقاشی،غرضه سبک شخصی را جستجو کنم (آن را از نگاه اقلیمی الهام می گیرم).
«چگونه دیدن» است که می نماید چگونه ببینم و هر فرضی از یک موقعیت ذهنی توضیح قرار گیری در یک وضعیت فرمی است.
روایت من به حالت های مختلف در می آید، فیکور می سازدو آن را از روابط ذهن –بدن– پیرامون استخراج می کند.
نیروهای ارادی به خصوصی(از ترکیب غرایز)گروه‌ها را حمل می کنندمنم برای بر ساختن اراده ای، از بافت هیجانی مرتبط با آن در بدنم استفاده می کند.
هیجانات بی ارتباط با ساخت ارادی «به خصوصی اش ارا از مدار خارج می کند تااین گونه در اراده ای رشد کند.از سویی دیگربدن با زبانی خاصی از بافت هیجانی بدن–پیرامون–ذهن، اراده ای را فعال می کند که ذهنم حالت بپذیرد؛ در ساختاری از تولیدات امر فرم قرار گیرد و خود خالی مکانیزم ساختاری اش نباشد، الگو هایش را پیشنهاد و تبعیت کند.
منبه شیوه پیرامون–بدن– ذهن می شناسدکه با شرایط بدنش همراه شود،مشکوک شود (از تابعیت خارج شود)، و با اراده ای که امر فرم در موقعیت ذهن –بدن–پیرامون ظاهر می کندبه حدود درک شرایط برسد و قدرت بگیرد؛ از این رو اقلیم زیستنشان را درک کند (...وبه نیروهای امنیتی بقا در ترکیب غرایزشباسب دهد).
ذهن–بدن–اقلیم تمایل دارد هم پوشانی و مقابله با ساخت ها و جهان های غیر را در اقلیم ذهن و ظرفیتفرم–شناختی اش به امکانتعادل فرم ها گشوده کند (فرم به تعاریف مختلف و نظام مندش،نوعی هارمونی کل– جزء نگار از نسبت جای گیری فرم ها در ساحت فرم فرم و نسبیتی میان حالت پذیری و حالت (ترکیب عناصر) و قصد یا قصد های حالتندهنده است.
نام حالت دهنده سنگهای ساحلی شدم و دستگاه مشاهد ام در موضوع «جدال با هارمونی» فعال شد.
که محدوده ای در امر توجهی گشود... و قصد داشتیم روی سنگ نقاشی کنم.

سنگ در بافت تبدیل به پدیده ای شد که مرتب با خصلت شکل پذیری (ترکیب عناصر) و قصد یا قصد های حالتندهنده است.
نام حالت دهنده های ساحلی ست.آن را حاد کرده ام تا در مرحله اول بتوانم معنایی بنیادین از بافت در تجسم به یاد آورمکه در ارتباط با یک سنگ به صورت خصوصی کار می کندو با زوایای متن گسترش و محدودیت می یابد:بخش خصوصی و تکرار ناپذیر دریاچه، رودخانه یا موقعیت های شکل دهی به سنگ در جریان شناور حرکت آب، با گذر از بستر و اتمسفری متحرک و موقعیت های گوناگون جغرافیایی خاص تا رسیدن به ساحل آنجای دریاچه کاسپین را در نظر می آورم که سنگ به ساحل می رسد و کارگاه شناور که میدان حالت پذیری آن است کار اش را در اقلیم متن تمام می کند.

کشنج

نزدیک شده است که می تواند رمانی در ۲۲۷ صفحه با همان زبان پُر از زارگون و آبرونی و گروتسک بنویسد (همه را ردیف کردم که بگویم نویسنده دقیقاً همین کار را کرده، رها کردن چرخ چاه، وقتو بی وقت و گاهو بی گاه)
”سُسر دمپایی های جلوی اتاق‌ها پا گذاشتم تا کج کیجکی بروم جلوتر، به خرچنگ گفتمد چرا این‌جوری راه می‌روی گفت جوانی است و هوار پیچ –سوخم...“
ظاهرا کج کیجکی راه رفتن راوی، نویسنده را یساذ خرچنگ انداخته و با خودش گفته حسالا وقت‌ناش است این ضرب‌المثل کیهان‌ساخته را بپراند وسط«ابدالج» از دولتی خرده‌فروشی «آزمان» مُشنّتی بند بود.
بار را خر می‌برد باد را بایو می‌دهد. بروبیایی داشت. از تختش مهمان خارجی‌های دست‌وپلداژ بالا می‌رفتند. یاد شکمش به آب قلیان می گفت پیف، ولی می‌دانست آقادی‌ایی‌اش را با شاخ گاو جنگ انداخته. «خان» بدجوری خاک کف بندش کرد.
”ولی شناس هاشناخته بودنش؛ دیگی که برای او نجوشد، ایل و تبار سگ در آن بجوشد؛ بعد که جوشید نه‌جوشش از گوشت سگ حرام‌تر، کوفت بقیه سُکرم، ما که رضاییم، بر ناشکرش لعنت. آزمان، صدی صد درصت نقشه‌اش را کشیده بود تا به‌موقع... فقط با ابرویی که ازش سر که می‌ریخت، اشاره زد به همه؛ بگذارید برود اتاقتش.”

ظاهراً خانجانی دیگر قصد ندارد رمانی در این حال و هوا بنویسد! این‌طور به نظر می‌رسد که او قصد داشته هر چه از این زبان می‌داند رو کند حتی اگر ناچار شود مضمونی ساده را در یک پاراگراف به چندین شکل تکرار کند: تازه، آپ‌نزدان‌خورده آزاد هم بشود، مگر چه‌قدر بیرون می‌ماند؟ خلاصه فردگاهش همین جاست نه پشت میز اداره، کسور و باغبانی؟ کسر و آواز؟ لال و مناجات؟ یا این‌جاء؛ که انگار نلذر کرده هرچه تمثیل در ذهنش دارد یک‌جا خرج کند:تا بوده همین بود، خلاف‌کار چپ‌خالی و ملاقات؛ شُنی و امامزاده؟ ارنمی و آفتابه؟ زنان «بند محکومین»

بند محکومین داستان مردان بن‌دی است؛ مردانی که پیش از آمدن به زنان در بند زنان بودند.
لَحِن رمان مردانه است اما نقش آفرینی زنان از همان صفحه‌ی نخست شروع می‌شود: «وورد دختری به بند محکومین مرده» حادثه‌ای که تبدیل به لکوموتیو قطاری می‌شود با بیست‌وپنج واگن و دویست‌وپنجاه مسافر (رویی این حادثه توقف نمی‌کنم؛ اولاً برای آن‌که روایت را لو ندهم و ثانیاً به این دلیل که خود نویسنده در پایان داستان بسیاری از تأویل‌های ممکن را در اختیار خواننده گذاشته است) و انصاف این است که نویسنده به خوبی توانسته است این حادثه را به‌عنوان نیروی پیش‌برنده‌ی داستان به کار بگیرد.نقش زنان در بند محکومین محسود به «دختر» نمی‌ماند. و بلافاصله پس از این خبر که خواننده را میخ‌کوب می‌کند از همان صفحه‌ی دوم «حکایت» تک‌تک بندگان با این جملگی تکراری شروع می‌شود و پیش از همه خود «زاپاتا» که راوی حکایات است: «عشق من دختر فامیل بوده» و تا

نقاشی در فرمی

که بافت را برجسته می کند



• ساحل نقطه پایسان کار مددل سازیکارگاه شناوراست که در موقعیت تعلیقی بسر می برد.
• اقلیم از مکانیزهای حرکتی طبیعت _در انقباض با نیروهای در گردش زمین– سخن می گوید.رابطه فرم اقلیم با بافت سنگ های ساحل آنجا، ساختارهای تو در توی متکثر از وضعیت رو به گسترشاقلیمدر انظر می آورد... اقلیم؛ چند ساحتی، با انبوه فضا ها و موقعیت ها، چند وضعیت، و چند دوره ای است (آثار) تغییر شکل داده شده از تجربه پیشین را نشان می دهد... در ذهن بهار مثلا). این مرحله از ذهن، حالت دهنده، حالت پذیر و شناور است، بدن در آن واقع یا مجازشده و از نقطه صفر بدنی تا مرز اقلیم اش را با خرد جزء گرا و کل گرا برای سوره می گستراند.

روش فهم:

فهم مغایرت ها و نا همگونی ها از گذر تمرکز بر شناوری نیروهای ارادی بدن و پی بردن به تعلیق های آن در ظرفیت ذهن؛ خرد جزء گرا درک تعلیقی ذهنیت در موقعیت ها را ممکن می کند:ذهنیت در موقعیت های بدن، مجزا با بویایی، چشایی، شنوایی، بینایی، لامسه و شعور براساخته از هر کدام (مثلا گوش–موسیقی، چشم–نقاشی) و شعود منبع روابط شان در جایی از ذهن، به ترکیب سازی فرمی از دریافت ها می پردازد. بدن فرمی برای دریافت تعریف می کند.ذهنیت به بدن بافت می دهد، در فهم فرم ها، ذهن با نظام های فرم طرف است، حالت دهنده‌ی گ

و اندکی از آن انبوه، از آن ساحل به خصوص در نوشهر سر در می آورد

و نیمه از سنت دیگر روایتی برای جایگزین کردن آن نداشت. برای راحت کردن وجدان خود، همه چیز را به امر سیاسی در نوشتن تقلیل داد. دیگر اجتماعی هم نبود و مخاطب عام هم نداشت. شعری که نه خواننده دارد و نه شاعر به درستی فهمیده که چه کرده و همه چیز را تحت نام «رخداد» در زبان توجیه می کند و همینطور هیچ تاثیری بر هیچ سیستمی ندارد در ایران شعر آوانگارد نام گرفته. این شاعران موی دماغ هیچکس نیستند. ساده نویسی ها هم که تکلیفشان مشخص است. شعر آوانگارد ایران هیچگونه پیچیدگی ندارد. پیچیده نمایی می کند. ناماسی الگوریتم ها از پیش تعیین شده اند و به طور کل قابل ردیابی



انتهاش رمان تمام حکایات با این کلمات شروع می شود. این شروع اگرچه تلویحا به یادمان می آورد که «همیشه پای یک زن در میان است» اما به این معنا نیست که با رمانی ضد زن طرفایم. زنان در بند محکومین حاشیه‌ای نیستند؛ داستان با آنان شروع می‌شود اما در «زندان» ادامه پیدا می‌کند. زنان البته کاملاً بیرون نمی‌مانند؛ خانجانی هزار و یک حکایتِ زندان «لاکان» را با دختری شروع می‌کند که به جای «دختر فامیل»، دختر همسایه‌ی «آزمان» و روح زن «دویش» و روح خواهر «رفیق مهندس» و ... وارد بند می‌شود. زنی که فقط یک شب در «هزار و یک شب» محکومین «حسّی» است اما در تمام لحظات روز و شب آنان «حاضر» است. اما این عنصر پیش‌برنده‌ی روایت این‌جا هم مانند بیرون ساکت است. «شهرزاد» بند محکومین هیچ نمی‌گوید؛ موضوع خیال و کلام مردان است اما سخن نمی‌گوید؛ شاید فکر می‌کرد حرف بزند می‌میرد، یکی باید به‌اش می‌گفت حرف نزن‌د می‌میرد. باید دروغی، قصه‌ای، چیزی از خودش و این‌ور آن‌ور _سُرهَم می‌کرد و می‌ساخت و همی می‌گفت و همی گفت تا خان خیرمی دهشت و ماجراجویی بمابد، چنان سرگرم بشود که درد زخم زن از پسادش برود، انتقام نگیرد...». این شهرزاد که یک تنه قرار است جای تمام زنان داستان باشد تا پایان ساکت می‌ماند و بعد غیب می‌شود. می‌رود تا جز خیال‌انگیزی، مهمّ ردیف اول حوادث بند بند باشد:

«دخستره آدم فروش بود. فرستادنش تا آمار همه چیز را در پیاورد و آن شب آمار همه چیز درآمد. اگر مخبر نبود چرا فرداشت رفت؟». زاپاتا در این‌جا ساکت می‌شود اما خانجانی نسه؛ در جمله‌ی پایانی بعد از گفتن تمام تأویل‌های ممکن، با یک جمله آخرین احتمال را هم می‌گوید (تا خواننده ناگام از دنیا نرود) و می‌رسد به فصلی که داستان با لحنی احساسی و انگ‌دار تمام می‌شود. پاراگراف های پایانی هم جولان‌گاه خانجانی است برای خرج کردن تمه‌ی استعاره‌ها و ضرب‌المثل‌ها دنیاس همان دنیای کهنه است. بدون خروس هم روز می‌آید. شب را دیدیم صبح را می‌بینیم. ذم زندگی دراز است. پارسال غم را انداختیم سر کل اسمال بریزیم سر دل...». این پاراگراف تا نش جمله بعد، با همان تکنیک خاص خانجانی –هر جمله یک ضرب‌المثل – ادامه پیدا می‌کند.کیهان خانجانی در «بند محکومین» هم، مثل دیگر کارهای‌اش، نویسنده‌های قصه‌گو است. زاپاتاسی بند محکومین را به خوبی در جایگاه راوی می‌نماید. خود کتاب می‌آیند. راوی باورپذیر و طراز بند محکومین حبس کشیده‌ای اندرزگو نیست. رطب خورده‌ای است در عین زاین لات و لوطی؛ کسی که هم‌زمان فضایل و پلشتی‌های یک آدم را در خود دارد. حسادت‌ها و حقارت‌های او آزارمان دهد. هم‌زمان که دوست داریم اکنون آن «بیرون» باشد و دست‌درگردن دختر فامیل، می‌گوییم حواس است بسببظطرت لائسخور که بین این همه قُلتشَن «تیرِ تیغ» بمابد و تحقیر بشود تا بپوسد.

(رقابت اسپرهم ها تداعی می شود اما قهرمانی ندارد). سنگ ها به عنوان سطح نقاشیهم ساحل را پیموده بودند و به لحاظ شکلی از یکدیگر تفکیک می شدند. آنها تداعی دریا کرده و تظاهر جسم شان در میان رگه هایی که به اشکال ترسیمی و نقش های انتزاعی با محسوس و ملموس با تصورات (ذهن-بدن)، در بافت هماهنگ با یک یا چند جریان حرکتی، و با تکنیک های منتشر شده در تمام پوسته، باربرداری شده و در نسبت با شکل کلی سنگ با حرکت چشم روایت پذیری می شدند و در مدار ایده های متنوع نقاشی مدرن به سر می بردند (از حیث زیبایی شناسی و فیزیک-حرکتِ ملموس که به شکل می آید).

به دنبال سنگ هایی می گشتم که انحناد داشته و در آب خوش رقصیده باشند؛ آنها امجساورت نیروهای قدرتمند حرکتی اقلیم گذاشته اند، گاهی با شکل های موزون از موج های دریا بیرون می زنند. هر کدام با قواعد و زاویه خودش در هارمونی حرکت اقلیم گرفته و از سنگ های دیگر جدا می شدند. در حرکت از بستر رود خانه ها تا ساحل دریاچه، در شادوری و هماهنگی و ضدیت نیروها، از زاویه کل گرا؛ با هارمونی سیر همراه شده تا به ساحل رسیده اند. از زاویه جزء گرا؛ در تضاد نسبی نیروها مقاومت کرده و در جدال با هارمونی، با زوایای شخصی گذاشته اند (منی که از خاصیت واکنش پذیری عناصر می آید). جریان های بافتی ایجاد شده در سنگ ها، جنبش و رنگ، رگه ها و حرکت شکلی شان از دوام آنها در ترکیب عناصرشان می آید. که رنگ و نور (جنبش دیدن) خاصی را در شکل خاصی قرار می دهد و در اشکال منتشر شده در بافت سنگ می گستراند.

این نقطه نظر برای مشاهده دیگری های سنگ (یعنی همه شان به مثابه تک تک شان) نیز جهت شناسایی ست تا سنگ های دیگر ساحل را مجزا از هم مورد توجه قرار دهم. سنگ های ساحل آنجادر فضا و اتمسفر غالب دریاچه کاسپینهمراه با همه عناصر موجود در قالب موسیقی آب ها، حذب بی غرض می رسانند و رنگبازگش و زیبا بودند (زیبای شکل واژه)

ذهن را با خود به حرکت و ما می داشتند. و البته چشم در برخورد با نوری که از شکل و بافت به سوش می آید به این ظفوات می رسد... اما نه زیبایی که مثل نقطه ای برجسته می شود و نه زیبا که یک تمایمت است؛ زیبایی که هر بار در جایی ظاهر می شود (در تداعی).

• ... بافت را از سطح نقاشی و بستر کار جدا می کنم. بافت همچون سازه روی سبتر می نشینند و دواشتر را از آن می گیرد. بستر نقاشی در هر سطحی همه عناصر را در خود جای می دهد. محیط زیست عناصر نقاشی است. خاصیتی دارد که اجازه ورود عناصر و حادزیست آنها را در ارتباط با بافت پذیرد برجسته کند. بافت نیز در ابتدا در خاصیت با بسسترش برخورد دارد و ممکن است معنایی از بستر بگیرد. بستر کار شخصیت می یابد از این رو که برای سوار شدن سازه بافت، می تواند با همه عناصر کارگفت وگوی ایجابی یا سلبی کند. ذهن نقاش در ابتدا ناگزیر به هم پوشانی با مقابله با بسستر است (مواد). و بعد ها نیز این کار را با فرمول های کوچکی یافتپذیرتر–ترسیم در سطح نقاشی ادامه می دهد.ترسیم تجسم را پیش رو دارد اما به خاصیت سبتر و پیوند بستر و بافت می اندیشد. • بافت سنگ را یک سازه روایت پذیر از نقاشی فرض می کنم و ترسیم را تخیلی رشد یافته از(با.د) در بافت می دانم.

ادامه دارد

است. هر آنچه که در شعر پست مدرن آمریکا هست در ایران هم پیدا می شود. ما به یک کالای وارداتی پرچسب «**MADE IN IRAN**» زدیم و نهانیت خودمان هم باور کردیم که این کالا ساخته ماست و به همه نشان دادیم و مفتخر شدیم. نام ها بسپازند. نام هایی که سرمددار شعر آوانگاردند. از دهه هفتاد تا حتی دهه هشتاد. تصمیم ندارم نام بسرم یا مثال بیاورم. زیرا خواننده ایسن متن هر طرف که سر بگرداند شاعران و شعر آوانگارد ایرانی را نام ها را می تواند ردیابی کند. شعر صدا و حنجره، شعر کارکنرت، شعر زبان و شعر–هرفرومنس و تمامی تجربیات هزاران بار تجربه شده در آن ور و حتی انبور آب ها را تجربه کردن معنی آوانگارد بودن را نمی دهد. خیلی پیش از دهه هفتاد شاعران تزویق گو معنا زدایی کرده بودند. هیچ معنایی از آن ها پیدا نیست. هیچ روایت و کلان روایتی هم سلطنت ندارد. خوب ؟ چه مانده از آن ها؟ شعر بنیایی و شعر شامولویی احساسی شهی بودن خود را با نابودی هر گونه فرمی نشان دادند. تاریخ ادبیات ایران چیزی جز وزن و بلاغت ظاهری زبان نبوده. و در اینجا منتقدی نیست. آنکس که بتواند این کند راه هم بزند و بوی اجنشن را بلند کند تا شاید فکری به حالش دهد. تنها جریان شعری قابل پیگری که اندک چیزی برای ارائه داشت را می توانیم جریان حاد بیانگری بدانییم که ان هم بعد از مدت کوتاهی به قعر تاریخ پیوست و شاعرانش دیگر تصمیم به گوشه نشینی گرفتند و صدای آرامشان به گوش های ما نرسید. در هر صورت ادبیات بی پدر ایران خیلی وقت است که مانند جسدی شده که تنها باکتری ها و گرم ها و از این دست در حال تغذیه از آن هستند.

تعلیق مجوز ۲ شرکت خدمات مسافر تی در گلستان



معاون گردشگری اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری گلستان از تعلیق مجوز ۲ شرکت خدمات مسافرتی در این استان خبر داد.به گزارش ایرنا به نقل از روابط عمومی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری گلستان احمد تجری اظهار داشت: با رای کمیسیون فنی دفاتر خدمات مسافرتی استان مجوزهای بند (ب) این شرکت ها از تاریخ ابلاغ رای کمیسیون در ۱۱ خردادماه به حالت تعلیق درآمد. وی افزود: دفتر خدمات مسافرتی کبودال به مدیریت حسن شیخ نظری به مدت ۲ ماه از تاریخ ابلاغ رای و شرکت خدمات مسافرتی جبران سیر ماهان عظیم به مدیریتعاملی محمد صفا کمی به مدت ۱۲ ماه تعلیق شدند.تجری ادامه داد: دفاتر تعلیق شده موظفند در زمان تعلیق از قبول تعهدهای جدید خودداری کرده اما به تعهدات قبلی عمل کنند.معاون گردشگری اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری گلستان گفت: در صورت عدم رعایت، مجوز این دفاتر لغو می شود.

ساعت کاری ادارات گلستان از ۲۵ خردادماه امسال تغییر می کند

سرپرست استانداری گلستان گفت: برای مدیریت مصرف برق ساعت کاری ادارات گلستان از ۲۵ خردادماه امسال تغییر می‌کند.به گزارش خبرنگار مهر، میرمحمد غراوی ظهر یکشنبه‌در حاشیه‌ی برگزاری جلسه‌ی شورای اداری استان در جمع خبرنگاران اظهار کرد: با توجه به افزایش دمای هوا در خردادماه و تابستان امسال مانند سال گذشته تصمیم بر این شد تا ساعت کاری دستگاه‌های دولتی تغییر کند.وی افزود: بر همین اساس از ۲۵ خردادماه جاری تا اطلاع ثانوی آغاز ساعت کاری ادارات از ۶:۳۰ صبح تا ۱۳:۳۰ خواهد بود.غراوی گفت: سال گذشته هم با تغییر ساعت کاری ادارات توانستیم با خاموشی‌های حداقلی، صرفه‌جویی خوبی در استان داشته باشیم.وی با بیان اینکه سه دستگاه دادگستری، تأمین اجتماعی و بنیاد مسکن استان طی سال گذشته در کاهش مصرف تلاش خوبی داشتند، از شرکت توزیع نیروی برق استان خواست امسال با توجه به تأکیدهای که بر مسئله رونق تولید شده، خاموشی برق در بخش صنعت را مدیریت کند.تا خسارتی به این بخش وارد نشود.

هیات تجاری گلستان راهی اقلیم کردستان عراق شد



نایب رییس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی گرگان گفت که هیاتی ۲۰ نفره تجاری از استان گلستان برای شرکت در نمایشگاه اختصاصی جمهوری اسلامی ایران در اربیل به اقلیم کردستان عراق سفر کرد. امیر یوسفی روز یکشنبه به خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی اظهار داشت: این هیات در قالب ۱۴ شرکت تولیدی در این نمایشگاه شرکت کرده و محصولات تولیدی خود را به همراه سایر استان‌های کشور به معرض نمایش می‌گذارد.وی گفت: نمایشگاه اختصاصی جمهوری اسلامی ایران از ۲۱ تا ۲۵ خرداد در اربیل اقلیم کردستان برگزار می‌شود.یوسفی افزود: حضور در این گونه نمایشگاه‌ها، کمک شایانی به بازاریابی تجاری ایران از جمله گلستان می‌کند.طبق گزارش دستگاه‌های اقتصادی گلستان، عراق جزو سه کشور اول در واردات کالا از گلستان است.استان گلستان واقع در شمال ایران ۸۰۰ تاجر دارای کارت بازرگانی دارد که در صادرات و واردات کالا فعال هستند. گلستان از شمال با کشور ترکمنستان و دریای خزر، از شرق با خراسان شمالی، از غرب با مازندران و از جنوب با سمنان همسایه است.



اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، ورزشی

golshanemehr1@yahoo.com

« صاحب امتیاز: احسان مکتبی

maktabi.ehsan48@gmail.com

« مدیرمسوول: مریم قرآنی

ghorani_maryam@yahoo.com

« نشانی: گرگان -خیابان امام خمینی -پاساژ قدس -طبقه سوم

تلفکس: ۰۱۷-۳۲۲۴۴۳۰۲-۳۲۲۴۴۳۰۱»

« نشانی سازمان آگهی‌های تهران: تهران -خیابان ستارخان-خیابان رحیمی اصل

کوچه ششم شرقی -پلاک ۱- تلفن: ۰۲۱-۸۴۴۲۷

« نشانی: گرگان -خیابان امام خمینی -پاساژ قدس -طبقه سوم

تلفکس: ۰۱۷-۳۲۲۴۴۳۰۲-۳۲۲۴۴۳۰۱»

« نشانی: گرگان -خیابان ستارخان-خیابان رحیمی اصل

کوچه ششم شرقی -پلاک ۱- تلفن: ۰۲۱-۸۴۴۲۷

« نشانی: گرگان -خیابان امام خمینی -پاساژ قدس -طبقه سوم

تلفکس: ۰۱۷-۳۲۲۴۴۳۰۲-۳۲۲۴۴۳۰۱»

« نشانی: گرگان -خیابان ستارخان-خیابان رحیمی اصل

کوچه ششم شرقی -پلاک ۱- تلفن: ۰۲۱-۸۴۴۲۷

« نشانی: گرگان -خیابان امام خمینی -پاساژ قدس -طبقه سوم

تلفکس: ۰۱۷-۳۲۲۴۴۳۰۲-۳۲۲۴۴۳۰۱»

« نشانی: گرگان -خیابان ستارخان-خیابان رحیمی اصل

کوچه ششم شرقی -پلاک ۱- تلفن: ۰۲۱-۸۴۴۲۷

« نشانی: گرگان -خیابان امام خمینی -پاساژ قدس -طبقه سوم

تلفکس: ۰۱۷-۳۲۲۴۴۳۰۲-۳۲۲۴۴۳۰۱»

« نشانی: گرگان -خیابان ستارخان-خیابان رحیمی اصل

کوچه ششم شرقی -پلاک ۱- تلفن: ۰۲۱-۸۴۴۲۷

« نشانی: گرگان -خیابان امام خمینی -پاساژ قدس -طبقه سوم

تلفکس: ۰۱۷-۳۲۲۴۴۳۰۲-۳۲۲۴۴۳۰۱»

« نشانی: گرگان -خیابان ستارخان-خیابان رحیمی اصل

کوچه ششم شرقی -پلاک ۱- تلفن: ۰۲۱-۸۴۴۲۷

« نشانی: گرگان -خیابان امام خمینی -پاساژ قدس -طبقه سوم

تلفکس: ۰۱۷-۳۲۲۴۴۳۰۲-۳۲۲۴۴۳۰۱»

« نشانی: گرگان -خیابان ستارخان-خیابان رحیمی اصل

کوچه ششم شرقی -پلاک ۱- تلفن: ۰۲۱-۸۴۴۲۷

« نشانی: گرگان -خیابان امام خمینی -پاساژ قدس -طبقه سوم

تلفکس: ۰۱۷-۳۲۲۴۴۳۰۲-۳۲۲۴۴۳۰۱»

« نشانی: گرگان -خیابان ستارخان-خیابان رحیمی اصل

کوچه ششم شرقی -پلاک ۱- تلفن: ۰۲۱-۸۴۴۲۷

« نشانی: گرگان -خیابان امام خمینی -پاساژ قدس -طبقه سوم

تلفکس: ۰۱۷-۳۲۲۴۴۳۰۲-۳۲۲۴۴۳۰۱»

« نشانی: گرگان -خیابان ستارخان-خیابان رحیمی اصل

کوچه ششم شرقی -پلاک ۱- تلفن: ۰۲۱-۸۴۴۲۷

« نشانی: گرگان -خیابان امام خمینی -پاساژ قدس -طبقه سوم

تلفکس: ۰۱۷-۳۲۲۴۴۳۰۲-۳۲۲۴۴۳۰۱»

« نشانی: گرگان -خیابان ستارخان-خیابان رحیمی اصل

کوچه ششم شرقی -پلاک ۱- تلفن: ۰۲۱-۸۴۴۲۷

« نشانی: گرگان -خیابان امام خمینی -پاساژ قدس -طبقه سوم

تلفکس: ۰۱۷-۳۲۲۴۴۳۰۲-۳۲۲۴۴۳۰۱»

« نشانی: گرگان -خیابان ستارخان-خیابان رحیمی اصل

کوچه ششم شرقی -پلاک ۱- تلفن: ۰۲۱-۸۴۴۲۷

« نشانی: گرگان -خیابان امام خمینی -پاساژ قدس -طبقه سوم

تلفکس: ۰۱۷-۳۲۲۴۴۳۰۲-۳۲۲۴۴۳۰۱»

« نشانی: گرگان -خیابان ستارخان-خیابان رحیمی اصل

کوچه ششم شرقی -پلاک ۱- تلفن: ۰۲۱-۸۴۴۲۷

« نشانی: گرگان -خیابان امام خمینی -پاساژ قدس -طبقه سوم

تلفکس: ۰۱۷-۳۲۲۴۴۳۰۲-۳۲۲۴۴۳۰۱»

« نشانی: گرگان -خیابان ستارخان-خیابان رحیمی اصل

کوچه ششم شرقی -پلاک ۱- تلفن: ۰۲۱-۸۴۴۲۷

« نشانی: گرگان -خیابان امام خمینی -پاساژ قدس -طبقه سوم

تلفکس: ۰۱۷-۳۲۲۴۴۳۰۲-۳۲۲۴۴۳۰۱»

« نشانی: گرگان -خیابان ستارخان-خیابان رحیمی اصل

کوچه ششم شرقی -پلاک ۱- تلفن: ۰۲۱-۸۴۴۲۷

« نشانی: گرگان -خیابان امام خمینی -پاساژ قدس -طبقه سوم

تلفکس: ۰۱۷-۳۲۲۴۴۳۰۲-۳۲۲۴۴۳۰۱»

« نشانی: گرگان -خیابان ستارخان-خیابان رحیمی اصل

کوچه ششم شرقی -پلاک ۱- تلفن: ۰۲۱-۸۴۴۲۷

« نشانی: گرگان -خیابان امام خمینی -پاساژ قدس -طبقه سوم

تلفکس: ۰۱۷-۳۲۲۴۴۳۰۲-۳۲۲۴۴۳۰۱»

« نشانی: گرگان -خیابان ستارخان-خیابان رحیمی اصل

کوچه ششم شرقی -پلاک ۱- تلفن: ۰۲۱-۸۴۴۲۷

« نشانی: گرگان -خیابان امام خمینی -پاساژ قدس -طبقه سوم

تلفکس: ۰۱۷-۳۲۲۴۴۳۰۲-۳۲۲۴۴۳۰۱»

« نشانی: گرگان -خیابان ستارخان-خیابان رحیمی اصل

کوچه ششم شرقی -پلاک ۱- تلفن: ۰۲۱-۸۴۴۲۷

« نشانی: گرگان -خیابان امام خمینی -پاساژ قدس -طبقه سوم

تلفکس: ۰۱۷-۳۲۲۴۴۳۰۲-۳۲۲۴۴۳۰۱»

« نشانی: گرگان -خیابان ستارخان-خیابان رحیمی اصل

کوچه ششم شرقی -پلاک ۱- تلفن: ۰۲۱-۸۴۴۲۷

« نشانی: گرگان -خیابان امام خمینی -پاساژ قدس -طبقه سوم

تلفکس: ۰۱۷-۳۲۲۴۴۳۰۲-۳۲۲۴۴۳۰۱»

« نشانی: گرگان -خیابان ستارخان-خیابان رحیمی اصل

کوچه ششم شرقی -پلاک ۱- تلفن: ۰۲۱-۸۴۴۲۷

« نشانی: گرگان -خیابان امام خمینی -پاساژ قدس -طبقه سوم

تلفکس: ۰۱۷-۳۲۲۴۴۳۰۲-۳۲۲۴۴۳۰۱»

« نشانی: گرگان -خیابان ستارخان-خیابان رحیمی اصل

کوچه ششم شرقی -پلاک ۱- تلفن: ۰۲۱-۸۴۴۲۷

« نشانی: گرگان -خیابان امام خمینی -پاساژ قدس -طبقه سوم

تلفکس: ۰۱۷-۳۲۲۴۴۳۰۲-۳۲۲۴۴۳۰۱»

« نشانی: گرگان -خیابان ستارخان-خیابان رحیمی اصل

کوچه ششم شرقی -پلاک ۱- تلفن: ۰۲۱-۸۴۴۲۷

« نشانی: گرگان -خیابان امام خمینی -پاساژ قدس -طبقه سوم

تلفکس: ۰۱۷-۳۲۲۴۴۳۰۲-۳۲۲۴۴۳۰۱»

« نشانی: گرگان -خیابان ستارخان-خیابان رحیمی اصل

کوچه ششم شرقی -پلاک ۱- تلفن: ۰۲۱-۸۴۴۲۷

« نشانی: گرگان -خیابان امام خمینی -پاساژ قدس -طبقه سوم

تلفکس: ۰۱۷-۳۲۲۴۴۳۰۲-۳۲۲۴۴۳۰۱»

« نشانی: گرگان -خیابان ستارخان-خیابان رحیمی اصل

کوچه ششم شرقی -پلاک ۱- تلفن: ۰۲۱-۸۴۴۲۷

« نشانی: گرگان -خیابان امام خمینی -پاساژ قدس -طبقه سوم

تلفکس: ۰۱۷-۳۲۲۴۴۳۰۲-۳۲۲۴۴۳۰۱»

« نشانی: گرگان -خیابان ستارخان-خیابان رحیمی اصل

کوچه ششم شرقی -پلاک ۱- تلفن: ۰۲۱-۸۴۴۲۷

« نشانی: گرگان -خیابان امام خمینی -پاساژ قدس -طبقه سوم

تلفکس: ۰۱۷-۳۲۲۴۴۳۰۲-۳۲۲۴۴۳۰۱»

« نشانی: گرگان -خیابان ستارخان-خیابان رحیمی اصل

کوچه ششم شرقی -پلاک ۱- تلفن: ۰۲۱-۸۴۴۲۷

« نشانی: گرگان -خیابان امام خمینی -پاساژ قدس -طبقه سوم

تلفکس: ۰۱۷-۳۲۲۴۴۳۰۲-۳۲۲۴۴۳۰۱»

« نشانی: گرگان -خیابان ستارخان-خیابان رحیمی اصل

کوچه ششم شرقی -پلاک ۱- تلفن: ۰۲۱-۸۴۴۲۷

« نشانی: گرگان -خیابان امام خمینی -پاساژ قدس -طبقه سوم

تلفکس: ۰۱۷-۳۲۲۴۴۳۰۲-۳۲۲۴۴۳۰۱»

« نشانی: گرگان -خیابان ستارخان-خیابان رحیمی اصل

کوچه ششم شرقی -پلاک ۱- تلفن: ۰۲۱-۸۴۴۲۷

« نشانی: گرگان -خیابان امام خمینی -پاساژ قدس -طبقه سوم

تلفکس: ۰۱۷-۳۲۲۴۴۳۰۲-۳۲۲۴۴۳۰۱»

« نشانی: گرگان -خیابان ستارخان-خیابان رحیمی اصل

کوچه ششم شرقی -پلاک ۱- تلفن: ۰۲۱-۸۴۴۲۷

« نشانی: گرگان -خیابان امام خمینی -پاساژ قدس -طبقه سوم

تلفکس: ۰۱۷-۳۲۲۴۴۳۰۲-۳۲۲۴۴۳۰۱»

« نشانی: گرگان -خیابان ستارخان-خیابان رحیمی اصل

کوچه ششم شرقی -پلاک ۱- تلفن: ۰۲۱-۸۴۴۲۷

« نشانی: گرگان -خیابان امام خمینی -پاساژ قدس -طبقه سوم

تلفکس: ۰۱۷-۳۲۲۴۴۳۰۲-۳۲۲۴۴۳۰۱»

« نشانی: گرگان -خیابان ستارخان-خیابان رحیمی اصل

کوچه ششم شرقی -پلاک ۱- تلفن: ۰۲۱-۸۴۴۲۷

« نشانی: گرگان -خیابان امام خمینی -پاساژ قدس -طبقه سوم

تلفکس: ۰۱۷-۳۲۲۴۴۳۰۲-۳۲۲۴۴۳۰۱»

« نشانی: گرگان -خیابان ستارخان-خیابان رحیمی اصل

کوچه ششم شرقی -پلاک ۱- تلفن: ۰۲۱-۸۴۴۲۷

« نشانی: گرگان -خیابان امام خمینی -پاساژ قدس -طبقه سوم

تلفکس: ۰۱۷-۳۲۲۴۴۳۰۲-۳۲۲۴۴۳۰۱»

« نشانی: گرگان -خیابان ستارخان-خیابان رحیمی اصل

کوچه ششم شرقی -پلاک ۱- تلفن: ۰۲۱-۸۴۴۲۷

« نشانی: گرگان -خیابان امام خمینی -پاساژ قدس -طبقه سوم

تلفکس: ۰۱۷-۳۲۲۴۴۳۰۲-۳۲۲۴۴۳۰۱»

« نشانی: گرگان -خیابان ستارخان-خیابان رحیمی اصل

کوچه ششم شرقی -پلاک ۱- تلفن: ۰۲۱-۸۴۴۲۷

« نشانی: گرگان -خیابان امام خمینی -پاساژ قدس -طبقه سوم

تلفکس: ۰۱۷-۳۲۲۴۴۳۰۲-۳۲۲۴۴۳۰۱»

« نشانی: گرگان -خیابان ستارخان-خیابان رحیمی اصل

کوچه ششم شرقی -پلاک ۱- تلفن: ۰۲۱-۸۴۴۲۷

« نشانی: گرگان -خیابان امام خمینی -پاساژ قدس -طبقه سوم

تلفکس: ۰۱۷-۳۲۲۴۴۳۰۲-۳۲۲۴۴۳۰۱»

« نشانی: گرگان -خیابان ستارخان-خیابان رحیمی اصل

کوچه ششم شرقی -پلاک ۱- تلفن: ۰۲۱-۸۴۴۲۷

« نشانی: گرگان -خیابان امام خمینی -پاساژ قدس -طبقه سوم

تلفکس: ۰۱۷-۳۲۲۴۴۳۰۲-۳۲۲۴۴۳۰۱»

« نشانی: گرگان -خیابان ستارخان-خیابان رحیمی اصل